

بسم الله الرحمن الرحيم

بازنمایی اهمیت، دستاوردها و آثار متقابل

عضویت دائم ایران در بریکس

چکیده:

۱- بررسی وضعیت گروه بریکس نشان می‌دهد که این گروه حدود یک سوم اقتصاد جهان را به خود اختصاص داده است و طبق پیش بینی‌های مراجع آماری، برآورد می‌شود تا ۲۰۳۰ میلادی این رقم به ۵۰ درصد برسد. نرخ رشد اقتصادی کشورهای بریکس میان سه تا هفت درصد است، اما اقتصادهای بزرگ غربی در چند سال اخیر رشد یک تا سه درصدی داشته‌اند. تولید ناخالص داخلی پنج عضو بریکس تا سال ۲۰۲۰ میلادی نزدیک به ۱۸ هزار میلیارد دلار بود و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ میلادی تولید ناخالص داخلی اعضای این گروه رشد ۴۵ درصدی داشته باشد.

۲- یکی از مهمترین مزایای عضویت ایران در تشکیلات بریکس، فراهم شدن زمینه‌ها و امکانات گسترده و قابل توجه برای کشورمان جهت دور زدن تحریم‌های یکجانبه جهان غرب و به طور خاص آمریکا علیه ایران است. سازمان بریکس از سازوکارهای مالی نظیر "بانک توسعه جدید" برخوردار است که در نوع خود

مجموعه‌ای از امکانات آترناتیو را در قیاس با امکاناتی نظیر سوئیفت و دیگر سازوکارهای مالی بین‌المللی که در کنترل کشورهای غربی هستند، ارائه می‌کند و عملاً فضای مساعدی را برای فعالیت‌های مالی و اقتصادی بین‌المللی کشورمان ایجاد می‌کند.

۳- ایران با عضویت در تشکیلات بریکس، از ظرفیت‌های بیشتری در تقابل و رویارویی خود با امپریالیسم غربی به واسطه همکاری با بلوکی از قدرت‌های نوظهور که آنها نیز همچون ایران، انگیزه‌های مشابهی جهت مقابله با رویه‌های ظالمانه، نامشروع و غیرقانونی قدرت‌های غربی دارند، برخوردار می‌شود. در واقع، هم‌افزایی میان این قدرت‌ها سبب خواهد شد تا دامنه قدرت آنها در عرصه بین‌المللی گسترده‌تر شده و اقدامات تقابلی جهان غرب علیه آنها، ماهیت و قدرت ضعیف‌تری را به خود گیرد.

۴- لازم است به ناامیدسازی‌های طیف‌های مخالف عضویت ایران در گروه بریکس در داخل کشور هم توجه شود. گرچه مخالفت‌ها به صورت علنی از سوی جریانات مختلف کمتر است، ولی واکاوی مخالفین نشان می‌دهد افرادی که تفکر غرب‌گرایی دارند و بیشتر به دنبال برجام و fatf هستند، مخالف عضویت ایران در این گروه تاثیرگذارند. بنابراین می‌توان با آگاهی بخشی کامل از مزایای عضویت ایران در گروه بریکس و توجه دادن به فرصت ده ساله اخیری که دولت قبل با سیاست صبر و انتظار برای ثمردهی درخت برجام تلف کرد و

عملا برجام «هیچ» عایدی برای کشور نداشت، از افکار عمومی و منتقدین منصف خواست که دستاوردها و آثار این عضویت‌های جدید را با برجام مقایسه کنند. البته باید مراقبت کرد که فضای موفقیت و کامیابی کشور با دمیدن در فضای دوقطبی‌سازی جامعه به مخالف و موافق بریکس تلخ نشود.

مقدمه:

واکاوی رفتار جمهوری اسلامی ایران در طول یک دهه اخیر نشان می‌دهد که نظام اسلامی در یک هدف‌گذاری مشخص بدنبال عضویت در نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای بوده است. در همین راستا همزمان با روی کار آمدن دولت سیزدهم تمرکز زیادی بر عضویت ایران در سازمان‌ها، نهادها و گروه‌های سیاسی و اقتصادی جهانی ایجاد شده است. کارشناسان معتقدند عضویت ایران در ترتیبات منطقه‌ای و بین‌المللی به ویژه از نوع اقتصادی، منجر به رشد اقتصادی کشور و در نتیجه هزینه‌خشی‌سازی تحریم‌های آمریکا را کاهش می‌دهد و در درجه بعد تامین امنیت بیشتر در برابر تغییرات ژئوپلیتیک و ساختاری جهانی می‌شود. بعد از عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای، جمهوری اسلامی ایران موفق شد به عضویت دائم گروه بریکس هم در آید. به طوری که هم‌زمان با سفر رئیس‌جمهور کشورمان به شهر ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی، جمهوری اسلامی ایران به همراه ۵ کشور

عربستان سعودی، آرژانتین، مصر، امارات متحده عربی و اتیوپی به عضویت دائم گروه بریکس در آمد.

آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی در سخنانی پس از اعلام پذیرش رسمی عضویت جمهوری اسلامی ایران در این گروه، گفت: "ایران از ظرفیت‌های بی‌ظیرری برخوردار است و آمادگی دارد در هر سه حوزه اصلی فعالیت‌های بریکس؛ یعنی حوزه‌های سیاسی - امنیتی، اقتصادی - مالی و اجتماعی مشارکت نماید. همکاری‌های راهبردی مختلف بین ایران و اعضای بریکس از جمله در حوزه‌های ترانزیت، انرژی و تجارت، دستور کار جهانی بریکس را حمایت می‌کند. جمهوری اسلامی ایران به صورت قاطع از تلاش‌های موفق بریکس در راستای دلارزدایی از روابط اقتصادی میان اعضا و همچنین استفاده از ارزهای ملی و تقویت سازوکارهای بریکس برای پرداخت و تسویه مالی حمایت می‌کند.

بریکس چیست؟

ایده اولیه تشکیل گروه بریکس به مدتها قبل باز می‌گردد. هنگامی که امریکا به رهبری جورج بوش به دنبال حمله به افغانستان و عراق به بهانه توسعه دموکراسی و جنگ علیه تروریسم بود، مؤسسه سرمایه‌گذاری «گلدمن ساکس» به منظور پیش‌بینی وضعیت اقتصادی جهان و قدرت‌های برتر آن در نیم قرن آتی مطرح شد. ایده شکل‌گیری گروهی به نام بریک، در سال

۲۰۰۱ از سوی مؤسسه سرمایه‌گذاری گلدمن ساکس، به منظور پیش‌بینی وضعیت اقتصادی جهان و قدرت‌های برتر آن در نیم قرن آینده مطرح گردید. جیم اونیل اولین بار نام مخفف این گروه را در سر تیترا یک روزنامه اقتصادی به کار برد.

در شصت و یکمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد وزرای امور خارجه کشورهای برزیل، روسیه، هند و چین گفتگوهای مقدماتی را آغاز کردند. بعد از این اجلاس، رهبران ارشد بریک، در ۴ نشست دیپلماتیک دیگر (یکاترینبورگ، سائوپائولو، ژاپن و لندن) به منظور محکم ساختن پایه‌های شکل‌گیری این گروه شرکت کردند. اولین جلسه گروه بریک در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۹ در یکاترینبورگ روسیه با حضور نمایندگان کشورهای برزیل، روسیه، هند و چین برگزار گردید. در سال ۲۰۱۳ آفریقای جنوبی نیز به جمع آن‌ها اضافه شد و «بریک» به «بریکس» تغییر نام داد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که گروه بریکس که بدون مشارکت محور غربی ایجاد شده است، از ظرفیت بالایی برای تغییر روند جهانی برخوردار است. به باور کارشناسان بریکس این ظرفیت را دارد تا سیطره نظم مسلط فعلی را در جامعه بین‌المللی به چالش بکشد. به همین دلیل است که آمریکا با همراهی متحدان غربی خود تلاش می‌کند تا روند کنونی را به چالش بکشد و از روند جهانی شدن کشورهای در حال توسعه جلوگیری کند.

ظرفیت‌های گروه بریکس

بریکس حجمی در حدود یک سوم اقتصاد جهان را به خود اختصاص داده است و طبق پیش‌بینی‌های مراجع آماری، برآورد می‌شود تا ۲۰۳۰ میلادی این رقم به ۵۰ درصد برسد. نرخ رشد اقتصادی کشورهای بریکس میان سه تا هفت درصد است، اما اقتصادهای بزرگ غربی در چند سال اخیر رشد یک تا سه درصدی داشته‌اند. تولید ناخالص داخلی پنج عضو بریکس تا سال ۲۰۲۰ میلادی نزدیک به ۱۸ هزار میلیارد دلار بود و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ میلادی تولید ناخالص داخلی اعضای این گروه رشد ۴,۵ درصدی داشته باشد.

این گروه به واسطه دارا بودن نیمی از جمعیت جهان و بین ۲۵ تا ۲۸ درصد از ظرفیت اقتصاد جهانی پتانسیل بالایی برای تاثیرگذاری بر اقتصاد جهانی دارد و از رشد پرشتاب اقتصادی و نفوذ در امور جهانی هم برخوردار است و از سوی دیگر یکی از رویکردهای اصلی اعضای بریکس هم این بوده که آن‌ها همیشه حامی کشورهای در حال توسعه و کشورهای جنوب و برقرارکننده تعادل و عدالت اقتصادی در مقابله با نظام پولی و بانکی غربی باشند.

کشورهای بریکس که همگی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهانی هستند و تاثیرگذاری بسیار بالایی بر گردش نقدینگی و روابط بین‌المللی دارند، بعد از

تحریم‌های گسترده غرب و همپیمانانش علیه روسیه، به سمت ایجاد زیرساخت مالی و مستقل رفتند تا از این راه امنیت تراکنش‌های گسترده مالی‌شان به واسطه تحریم‌های یکجانبه غرب به خطر نیفتد. در سال ۲۰۱۲، پنج کشور عضو این سازمان در تصمیمی مهم و اثرگذار، خواستار ایجاد مکانیسم مالی مستقل خود شدند و دو سال بعد بریکس با ایجاد بانکی با نام «بانک توسعه جدید» که هدف آن تزریق نقدینگی و تامین منابع مالی برای زیرساخت‌ها و پروژه‌های اقتصادهای نوظهور بود، به این تصمیم جامه عمل پوشاند.

اهداف ۵ کشور عضو در بریکس

- ۱- اهداف هند در بریکس؛ هند با ایجاد اتحادی در بین ۵ کشور با تبادل تجربیات، توانسته به نتایج و پیشرفت خوبی برسد و اکنون به عنوان یک قطب تکنولوژی اقتصادی جهان در حال قدرت‌یابی است.
- ۲- اهداف چین در بریکس؛ چین به عنوان کشوری در حال توسعه، به دنبال شرکای جدید برای خود می‌باشد. کشوری که آمریکا و اروپا رقیب آن هستند و سعی دارند به نوعی توسعه چین را مدیریت کنند. به همین خاطر چین به دنبال شرکایی در راستای ارتباطات خود می‌گردد تا بتواند توسعه پیدا کند. لذا چین با کشورها تعاملاتی داشته و توانسته توسعه بیشتری پیدا و رشد خود

را تسریع نماید و بازارهای جدیدی پیدا کند و شرکای جدیدی در صحنه بین المللی داشته باشد. این امر خود موفقیت بزرگی برای چین بوده است.

۳- اهداف آفریقای جنوبی در بریکس؛ آفریقای جنوبی به دنبال توسعه یافتگی است و در شرایط فعلی سعی دارد در راستای منافع ملی، تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی خود را توسعه داده و در صحنه بین المللی حضور داشته باشد. آفریقای جنوبی آخرین عضو گروه بریکس است، یعنی با توجه به موفقیت کشورهای بریکس در صحنه بین المللی و توسعه‌ی کشور خود، آفریقای جنوبی مایل به عضویت در این گروه بود و با شرایطی که در آفریقا داشت، توانست در این گروه عضو شود. این امر موفقیت خوبی برای آفریقای جنوبی بود. آفریقای جنوبی بعد از عضویت در بریکس و تبادل با ۴ کشور دیگر آن، توانسته در بخش سرمایه گذاری داخلی و رشد ناخالص تولید ملی و در بحث مدیریت صادرات جهانی و بخش خصوصی سازی موفقیت داشته باشد. این امر با توجه به آمار بانک جهانی، نشانگر روند رو به رشد و توسعه اقتصادی آفریقای جنوبی است.

۴- اهداف عضویت روسیه در بریکس؛ روسیه بعد از فروپاشی شوروی دچار سردرگمی اقتصادی بود. چون اقتصاد عامل فروپاشی شوروی شد و اقتصاد ورشکسته و فاسد دوران رژیم شوروی سابق، باعث شد روس‌ها بعد از فروپاشی شوروی سعی کنند با مشکلات باقی مانده از شوروی دست و

پنجه نرم کنند. بعد از فروپاشی شوروی، روسیه بدترین وضعیت اقتصادی را از نظر تولید داخلی داشت. مسکو از نظر جهانی و رقابت با اروپایی‌ها و فشار اقتصاد جهانی بر روسیه، یک دهه مشکلات داشت، اما با تشکیل سازمان بریکس و عضویت ۵ قطبی کشورها، روسیه جان تازه‌ای گرفت و توانست این مشکلات را به تدریج کنار بگذارد و از تجربیات این کشورها در ورود به جامعه تجارت جهانی بهره گیرد. در این حال روسیه با دارا بودن مواد خام، ذخایر نفتی، گازی و معدنی و توانمندی تکنولوژی، با رویکرد تبادل اقتصادی، تجاری و فنی توانست خود را وارد بازار جهانی کند و اصول تجارت را یاد گرفته و کشوری قدرتمند گردد. یعنی هر چند روسیه از جی ۸ (به خاطر مسائل اوکراین) اخراج شد، اما واقعیت این است که روسیه قدرتی جهانی است و مسئله اخراج، سیاسی بود تا اقتصادی.

۵- اهداف برزیل در بریکس؛ برزیل تا ۳۰ سال پیش یکی از بدهکارترین کشورهای جهان بود، اما اکنون برزیل قدرت ششم اقتصاد جهان است. با توجه به سیاست‌های حزب کارگر برزیل و مدیریت دولت وقت آقای داسیلوا این کشور تبدیل به یک کشور صنعتی و قدرت ششم اقتصاد جهان در سال ۲۰۱۳ شد و در واقع جای انگلیس را در رتبه‌بندی اقتصاد جهانی گرفت. در برنامه‌ریزی برزیل، مبارزه با فساد اقتصادی و فساد اداری یکی از اولویت‌ها بود.

محورهای مشترک و راهبردی اتحاد بریکس

مهمترین محورهای راهبردی که به عنوان فصول مشترک اهداف و انگیزه‌های اتحاد بریکس را شکل داده و همه کشورها به دنبال دستیابی به آنها هستند عبارتند از؛

۱. اتحاد رویکردهای دلارزدایی و تشکیل بانک توسعه: روند کنونی جامعه جهانی نشان می‌دهد که محور غربی از طریق بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و دلار بعنوان ارز مرجع روند تجارت جهانی را زیر نظر دارد و به نوعی تجارت جهانی را در راستای منافع خود تنظیم می‌کند. تحریم، عدم همکاری نهادهای اقتصادی به اصطلاح بین المللی با برخی از کشورها، ایجاد اتحاد با کشورهای اروپایی و ... از جمله رفتارهای آمریکا و اروپا در مدیریت تجارت بین الملل است. گروه بریکس با تشکیل بانک توسعه و تعریف ارز مرجع دیگری به غیر از دلار تلاش می‌کند سیستم عادلانه تری را در تجارت بین الملل وجود بیاورد. جیمز ریکاردز، مشاور سابق سیا در خردادماه امسال اعلام کرد: گروه بریکس در حال ایجاد یک ارز تجاری ذخیره جدید است که می‌تواند جایگزینی برای دلار باشد و جهان طی چند سال آینده شاهد انتقال از سلطه دلار به یک ارز اصلی جدید خواهد بود که می‌تواند نقش دلار را در پرداخت‌های جهانی ایفا کند و در نهایت جایگزین آن شود. وزارت خارجه روسیه نیز اعلام کرد: "کشورهای عضو در مورد ایجاد یک سازوکار

پرداخت پایدار برای مبادلات تجاری دوجانبه بحث و گفت‌وگو خواهند کرد. بنابر اعلام وزارت خارجه روسیه، استفاده از ارزهای ملی در مبادلات تجاری دوجانبه به دلیل عواملی مانند تبدیل‌پذیری محدود و نوسانات بالاتر در مقایسه با دلار آمریکا پیچیده است اما امکان ایجاد یک ارز واحد جدید از سوی بریکس، یک فرآیند «دقیق» خواهد بود."

طبق گزارش‌ها، حدود ۸۵ کشور از جمله اعضای بریکس و اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا (آسه آن)، آرژانتین، ترکیه، ایران، امارات متحده عربی و عربستان سعودی خواستار دلارزدایی و به دنبال استفاده از ارزهای محلی در مبادلات تجاری هستند. کشورهای دیگر هم در حال بررسی روش‌های جایگزین پرداخت برای تسویه حساب‌های جهانی مانند یوان چین، درهم امارات یا روپیه هند هستند.

۲. افزایش مبادلات تجاری بین کشورهای عضو و در نتیجه تقلیل وابستگی اقتصادی به اروپا و آمریکا: بررسی شرایط کنونی تجارت بین الملل نشان می‌دهد که ایالات متحده روندها را به نحوی طراحی کرده است که کشورهای مختلف از طریق اقتصاد به آن وابسته شدند. به عبارتی اقتصاد کشورهای مختلف به میزانی به آمریکا و غرب وابسته شدند که با یک رفتار آمریکا ممکن است آن اقتصاد ورشکسته یا به توسعه برسد. در نظر کارشناسان اقتصادی این کشورها، اقتصاد آنها اصطلاحاً بادکنکی نامیده می‌شود. در همین

زمینه می‌توان به اقتصاد مالزی اشاره کرد که با یک رفتار تحریمی آمریکا در یک شبانه روز کاملاً ورشکسته شد. از این رو، کشورهای عضو بریکس تلاش می‌کنند تا با افزایش مبادلات بین کشورهای عضو، وابستگی خود به اقتصاد آمریکا و اروپا را به حداقل ممکن برسانند. این رویه بعد از جنگ اوکراین و با تحریم‌های روسیه، اهمیت بیشتری به خود گرفته است.

۳. **ایجاد روابط جنوب- جنوب:** همکاری جنوب- جنوب، اصطلاحی است که از سوی سیاست‌مداران و دانشگاهیان برای توصیف تبادل منابع، فناوری‌ها و دانش‌ها بین کشورهای در حال توسعه که به نام جنوب جهانی نیز شناخته می‌شوند به کار می‌رود. در همین زمینه کشورهای عضو به خصوص چین مصمم است که دست در دست با بازارهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه به فعالیت بپردازد. در سیزدهمین نشست مشاوران امنیت ملی بریکس و نمایندگان عالی امنیت ملی که در ۲۵ جولای ۲۰۲۳ در ژوهانسبورگ برگزار شد، وانگ یی، وزیر امور خارجه چین اعلام کرد که همه کشورها باید در چهار زمینه با یکدیگر همکاری کنند: حذف درگیری‌ها و ایجاد صلح مشترک؛ تقویت نشاط و ترویج توسعه؛ فراگیری و پیشرفت مشترک و دستیابی به وحدت و همکاری.

۴. **تلاش برای تغییر مناسبات اقتصاد جهانی و عادلانه‌تر کردن آن:** گروه بریکس تلاش می‌کنند از طریق کشورهای در حال توسعه مناسبات اقتصادی

جهان را به شکل دیگری باز طراحی کنند. استفاده از ظرفیت کشورهای در حال توسعه می‌تواند به کشورهای هم‌چون ایران، روسیه و چین در تغییر تجارت بین الملل کمک شایانی کند. کشورهای عضو گروه بریکس نماینده بیش از ۳ میلیارد از جمعیت جهانی هستند که ۴۳ درصد از جمعیت کل زمین را شامل می‌شوند. این کشورها در کل تولید ناخالص داخلی معادل ۱۶,۰۳۹ هزار میلیارد دلار دارند که در حدود ۲۰ درصد از تولید ناخالص داخلی کشورهای جهان را شامل می‌شود و به این مبلغ می‌توان رقم ۴ هزار میلیارد دلار را هم که به صورت مشترک بین کشورهای خارجی موجود است، اضافه کرد.

۵. ایفای نقش مؤثر در کمک کردن به کشورهای در حال ورشکستگی:
در حال حاضر گروه بریکس در کنار تشکیل بانک توسعه نوین، صندوق ذخیره ارزی به اعتبار ۱۰۰ میلیارد دلار ایجاد کرده است. این موضوع بریکس را به گروهی فعال و تاثیرگذار تبدیل و روند همراهی و کمک کردن به اعضای خود و همچنین بعضا به کشورهای جنوب غیرعضو را امکان‌پذیر خواهد کرد. یعنی بریکس با چنین رفتاری را می‌توان بعنوان یک گروه تاثیرگذار مثبت بر بحران‌های سیاسی یا اقتصادی مهم جهانی تلقی کرد. در واقع کشورهای عضو بنا به آمار بانک جهانی با در دست داشتن ۴۰ درصد از منابع مالی دنیا و ۳۰ درصد از تولید ناخالص داخلی در حال پیشی گرفتن از هفت

کشور صنعتی دنیا می‌باشند و در صورتی که یک مجموعه در نظر گرفته شوند ثروتمندترین عضو جامعه جهانی به حساب می‌آیند. از این جهت دامنه تاثیرگذاری بریکس در معادلات جهانی خواهد بود.

کشورهای خواهان پیوستن به بریکس

شاید تحت تاثیر برخی شبهات ایجاد شده این طور وانمود شود که عضویت در بریکس خیلی هم مهم نیست و کشورهای عضو خیلی هم برجسته نیستند. این در حالی است که بررسی نشست اعضای بریکس در شهر ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی نشان می‌دهد که کشورهای بسیاری در این نشست حضور پیدا کرده و علاقه خود را به عضویت در این گروه نوظهور اقتصادی ابراز کردند. رئیس‌جمهور چین از ایران، الجزایر، مصر، اندونزی، قزاقستان، سنگال، ازبکستان، کامبوج، اتیوپی، فیجی، مالزی و تایلند برای اجلاس اخیر دعوت کرده بود. پاکستان گفته مایل به شرکت بوده اما یک کشور (که معلوم است منظورش هند است) مخالفت کرده بود. پیش از این، ترکیه، بنگلادش، مکزیک، نیجریه و سوریه هم برای پیوستن به بریکس ابراز علاقمندی کرده‌اند. از بین کشورهای مطرح شده با عضویت دائم شش کشور در گروه بریکس موافقت شد و بقیه کشورها نیز همچنان تلاش می‌کنند تا بتوانند در این گروه عضو شوند. همان طور که ملاحظه می‌کنید برخی از این کشورهای

در صف انتظار پیوستن به بریکس جایگاه مهمی در اقتصاد منطقه و جهانی داشته و هم‌اکنون عضو اتحادیه‌های مهمی هستند.

اهمیت و دستاوردهای عضویت ایران در بریکس

حضور جمهوری اسلامی ایران در گروه بریکس اهمیت بسزایی را برای منافع ملی کشورمان و همچنین برای گروه بریکس دارد که به برخی اشاره می‌گردد:

۱- کمک به خنثی‌سازی تحریم‌ها: در طول چهار دهه گذشته ایالات متحده آمریکا به همراه کشورهای مدعی اروپا تلاش کردند با تحریم‌های یک جانبه، اجازه تجارت ایران با جامعه بین‌المللی را ندهند و در نتیجه، استفاده ایران از تجارت جهانی را به حداقل ممکن برسانند. از این رو، عضویت ایران در بریکس که به دنبال باز طراحی ساختارهای اقتصادی و بین‌المللی است، می‌تواند به ایران در خنثی‌سازی تحریم‌های غربی کمک شایانی بکند. از این رو، فراهم شدن زمینه‌ها و امکانات گسترده و قابل توجه برای کشورمان جهت دور زدن تحریم‌های یکجانبه جهان غرب و به طور خاص آمریکا از جمله مهمترین فرصت‌هایی است که عضویت در بریکس برای کشورمان فراهم کرده است. سازمان بریکس از سازوکارهای مالی نظیر "بانک توسعه جدید" برخوردار است که در نوع خود مجموعه‌ای از امکاناتِ آلترناتیو را در قیاس با امکاناتی نظیر سوئیفت و دیگر سازوکارهای مالی بین‌المللی که در کنترل

کشورهای غربی هستند، ارائه می کند و عملاً فضای مساعدی را برای فعالیت های مالی و اقتصادی بین المللی کشورمان ایجاد می کند.

۲- جذب سرمایه گذار: با توجه به وجود ساز و کارهای اقتصادی در بریکس (همچون بانک توسعه جدید و صندوق ذخیره) ایران می تواند با سهولت بیشتری از این نهادها وام دریافت کند و کشورهای بریکس را برای سرمایه گذاری در طرح های زیربنایی خود جلب کند. ناگفته نماند که در طول سال های گذشته کشورهایی همچون چین، روسیه، هند و برزیل بدنبال سرمایه گذاری در کشورهای غربی بودند که تغییر روند کنونی و در پیش گرفتن دیپلماسی فعال اقتصادی به راحتی می تواند از اعضای کشورهای عضو بریکس جهت سرمایه گذاری در بخش های مختلف اقتصادی نهایت بهره را ببرد.

۳- شکست سیاست منزوی سازی ایران: محور غربی در سال های اخیر بسیار تلاش کردند که ایران را در جامعه بین الملل تبدیل به یک کشور منزوی کنند، این در حالی است که با عضویت ایران در گروه بریکس که بعد از عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای صورت گرفت، ایران تبدیل به یک بازیگر تاثیرگذار در جامعه بین المللی خواهد شد. این موضوع در وهله اول یک شکست سیاسی برای غرب و در مرحله بعدی یک پیروزی راهبردی برای ایران محسوب می شود. بررسی ها نشان می دهد که با عضویت ایران در گروه

مذکور، جایگاه ژئوپلیتیک ایران مورد توجه جدی اعضا قرار خواهد گرفت و سهم ایران در تجارت بین المللی را بشدت افزایش خواهد داد.

۴- تقویت جایگاه سیاسی ایران: به باور کارشناسان اقتصادی، جمهوری اسلامی ایران که در مرکز خاور نزدیک و میانه واقع شده است، برای بریکس جایگاه کلیدی در این منطقه را تضمین خواهد کرد، بنابراین عضویت تهران در بریکس هم جایگاه راهبردی سازمان بریکس را ارتقا خواهد داد و هم مواضع سیاسی ایران را در نظام مناسبات بین المللی به طور چشم‌گیری تقویت خواهد کرد؛ زیرا این باشگاه در اتخاذ تصمیمات راهبردی نقش فزاینده‌ای ایفا می‌کند. از طرف دیگر دو عضو بریکس، یعنی روسیه و چین از اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل می‌باشند و از حق وتو برخوردارند، عضویت ایران در این گروه منجر به همگرایی بیشتر ایران با این دو کشور خواهد شد و از رویکردهای سلبی غرب در سازمان ملل علیه ایران تا حدود زیادی جلوگیری خواهد کرد. همچنین ایران به عنوان یک قدرت با نفوذ در منطقه‌ای ناپایدار و بی‌ثبات که در آن ایران، طرفدار سیاست «نگاه به شرق» است، منافع مشترک فراوانی با «بریکس» را نصیب خود خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

واکاوی گروه بریکس و عضویت ایران در گروه نشان می‌دهد که معادله‌ای برد- برد اتفاق افتاده است. به طوری که این روند امتیازاتی برای جمهوری

اسلامی ایران در پی خواهد داشت و از طرفی هم سهم و میزان نفوذ و قدرت گروه بریکس نیز با عضویت ایران در آن تقویت خواهد شد و این گروه در آینده می‌تواند با ابزار انرژی و سایر ابزارها، غرب و رفتارهای استعماری محور غربی را به چالش بکشاند.

نکته دوم، به موفقیت نظام اسلامی در پیش بردن اهداف خود از طریق گروه بریکس بر می‌گردد. گروه‌های غرب‌گرا در داخل کشور در طول یک دهه اخیر از طریق بی‌عملی غرب در اجرای تعهدات برجامی ضربات غیرقابل جبرانی را در حوزه امنیتی و اقتصادی به کشور وارد کرده‌اند و هم اکنون نیز در تبلیغاتشان تلاش می‌کنند از ارزش راهبردی این عضویت بکاهند. این در حالی است که برجام و سایر پیمان‌های اقتصادی و تجاری با طرف‌های غربی از گذشته تا کنون هیچ عایدی اضافه‌تری نه تنها برای ایران نداشته بلکه اختصاصاً در باره برجام به اذعان مذاکره‌کننده‌های خود تیم قبلی می‌توانیم بگوییم خسارت‌های قابل توجهی هم نصیب کشور کرده است. ضمن این که اساساً، غربی‌ها خودشان به دلیل خروج از برجام و نشان دادن بی‌تعهدی در انجام این معاهده سبب ساز شکل‌گیری این فضای بی‌اعتمادی شده‌اند تا ایران برای معطل نگذاشتن اقتصاد خودش پیوستن به سازمان‌های دیگر جهانی را در دستور کار خود قرار دهد. از سوی دیگر، این عضویت ضمن تضعیف تمایل شدید در گذشته به غرب، ترجمانی خواهد بود از این کلام رهبری که

همه دنیا غرب نیست و می‌توان با کشورهای دیگر مسائل اقتصادی مردم را مدیریت کرد.

به نظر می‌رسد اهمیت بریکس و عضویت ایران در آن از این منظر هم قابل بررسی است که عمده هدف شکل‌گیری این سازمان تجاری و اقتصادی، مقابله با ترتیبات یک جانبه غربی است. گویی دنیا به یک خودآگاهی بیدارکننده در برابر نگاه ظالمانه مکتب سرمایه‌داری غربی رسیده و در پرتو این خیزش بنا دارد ناف اقتصادی خود را از سازوکارهای تهدید کننده امنیت اقتصادی آینده آن در وابستگی به مکانیزم‌هایی همانند سوئیفت و اف‌ای‌تی‌اف را قطع نماید؛ بدون تردید، این بازتاب فریاد انقلاب اسلامی است که از بدو پیروزی انقلاب خواستار پایان دادن به هر نوع رابطه استعماری و استکباری بوده است که نضج و رشد پیدا کرده است. مبتنی بر این فکر، دولت سیزدهم با در پیش گرفتن سیاست نگاه متوازن به دنیا با چاشنی رویکرد به شرق به عنوان یک گفتمان فراگیر، در تلاش است مناسبات و اولویت‌های اقتصادی کشور را معطل رویکردهای غربی و غرب‌گرایانه نکند. به عبارت دیگر، جامعه ایرانی در طول یک دهه اخیر از طریق رسانه‌ها و تلاش‌های دولت دوازدهم، به این باور اغواگرایانه رسیدند که تنها راه نجات اقتصاد از طریق تعامل با غرب است، اما با دیدن عهدشکنی آمریکایی‌ها و بی‌عملی اروپایی‌ها به شدت از غرب منزجر شده و خواستار مناسباتی با احترام متقابل و به دور

از هر نوع سیاست امپریالیستی هستند. انتظار می‌رود با عضویت ایران در گروه بریکس، این معادله و ادراک ذهنی جامعه تغییر کند و این راه با گفتمان سازی و تبلیغات بیشتر رسانه‌های داخلی شدنی است.

نکته آخر، توجه به طیف‌های مخالف عضویت ایران در گروه بریکس در داخل است. گرچه مخالفت‌ها به صورت علنی از سوی جریان‌های مختلف کمتر است، ولی واکاوی مخالفین نشان می‌دهد افرادی که تفکر غرب‌گرایی دارند و بیشتر به دنبال برجام و fatf بوده و هستند، مخالف عضویت ایران در این گروه تاثیرگذارند. بنابراین می‌توان با آگاهی بخشی کامل از مزایای عضویت ایران در گروه بریکس، فرصت ده ساله اخیری را که کشور با سیاست صبر و انتظار برای ثمردهی درخت برجام تلف کرد و «هیچ» عایدی برای کشور نداشت، از افکار عمومی و منتقدین منصف خواست که دستاوردها و آثار این عضویت‌های جدید با برجام را مقایسه کنند. البته نباید فضای موفقیت و کامیابی کشور را با دمیدن در فضای دوقطبی سازی جامعه به مخالف و موافق بریکس تلخ کرد. بلکه باید از امیدآفرینی و روشنایی آینده کشور در پرتو مدیریت درست مردمی و انقلابی سخن گفت و چشم‌ها را به افق پیروزی تازه که قطعا با خود گشایش‌هایی هم خواهد داشت معطوف کرد.

